بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم

بسته متنی قابل ویرایش

هفته 72

مسجدنما

<http://MasjedNama.ir>

سلام بر شما

هر هفته با مراجعه به تارنمای مسجدنما می‌توانید بسته‌های هفتگی فرهنگی ویژه همان ایام را دریافت و در تابلوی اعلانات مسجد، مدرسه، محل کار و... خود نصب کنید. ما دنبال این هستیم که با مشارکت همه فعالان فرهنگی مسجدی، تحولی در کارهای فرهنگی و تربیتی مساجد رخ دهد و مسجد به جایگاه حقیقی خودش بازگردد، ان‌شاءالله. باشد تا با زمینه‌سازی ظهور، سربازان خوبی برای امام خویش باشیم. برای هم دعا کنیم!

ببینیم چه چیزهایی این هفته روزی‌مان شده...

فهرست مطالب

[قرآن 3](#_Toc425958993)

[خدا با توست 3](#_Toc425958994)

[متن سوره 3](#_Toc425958995)

[ترجمه سوره 3](#_Toc425958996)

[اهل‌بیت 5](#_Toc425958997)

[دنیا دو روز است! 5](#_Toc425958998)

[امام روح‌الله 6](#_Toc425958999)

[پیچیدگی راه مبارزه با اسلام آمریکایی 6](#_Toc425959000)

[امام خامنه‌ای 7](#_Toc425959001)

[حساسیت مسائل اقتصادی در دهه عدالت و پیشرفت 7](#_Toc425959002)

[شهدا 8](#_Toc425959003)

[«بابا» را بیش‌تر دوست دارید یا «تلویزیون‌رنگی» را؟ 8](#_Toc425959004)

[یار مهربان 9](#_Toc425959005)

[حاج‌آقا فرمانده در خط مقدم 9](#_Toc425959006)

[ایام ویژه 10](#_Toc425959007)

[درستی شهادت آیت 10](#_Toc425959008)

[احکام 11](#_Toc425959009)

[با ریش پرفسوری نمیشه! 11](#_Toc425959010)

[نیایش 12](#_Toc425959011)

[خواهش از خدا به سبک امام سجاد 12](#_Toc425959012)

[درنگ 13](#_Toc425959013)

[پشت پرده‌ها خبرهای دیگری است 13](#_Toc425959014)

[روزنوشت 14](#_Toc425959015)

[استقبال از خون‌آشام پاریسی 14](#_Toc425959016)

[سؤالات هفته 15](#_Toc425959017)

# قرآن

## خدا با توست

چراغ هر چه قدر هم که قوی و بزرگ باشد، اگر به منبع نور متصل نشود، فایده‌ای نخواهد داشت. پیامبری هم همین‌گونه است. **پیامبر تا وقتی پیامبر است که به خدا وصل باشد، وگرنه بشری خواهد بود مثل سایرین.**

**اما آیا پیامبری صرفاً به دریافت وحی است؟ و اگر مدتی وحی قطع شد، یعنی دیگر خدا پیامبرش را رها کرده، یا بر او غضب گرفته است؟ اینک همین اتفاق افتاده و مدتی است که وحی نمی‌آید.** دشمنان، رسول‌الله را به مسخره گرفته‌اند و مؤمنان دل‌سرد شده‌اند. پیامبر نیز از این امتحان نگران است... پس سوره ضحی می‌آید تا امیدی باشد برای رسول و یارانش و پاسخی باشد برای دشمنان:

«**قسم به روز و شبی که مانند آمدن و نیامدن وحی هر دو از نشانه‌های الهی هستند (نه نشانه رحمت و غضب!)، خدای تو نه تو را رها کرده و نه بر تو خشم گرفته است**؛ بلکه بالاتر، آخرت برای تو بهتر از دنیاست و خدایت آن‌قدر به تو می‌دهد که راضی شوی... این خدا همانی است که تو را در یتیمی پناه داد و راه حق را به تو نمایاند و در تهی‌دستی ثروتت بخشید. پس تو نیز به شکرانه این نعمت‌ها، یتیم را خوار نکن و فقیر را از خود نران؛ و مهم‌تر از همه این‌که **نعمت قرآن- این وحی جاودانه- را بر همگان حدیث کن تا آنان نیز از این نعمتِ هدایت بهره‌مند شوند.»**

**آری، با این آیات جان پیامبر آرام می‌گیرد و مؤمنان مطمئن می‌شوند.** اکنون باید رسول‌الله به تلاوت آیات حق بپردازد و ما از این نعمت حداکثر بهره را ببریم.

### متن سوره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحيمِ

‏وَ الضُّحى‏ (1) وَ اللَّيْلِ إِذا سَجى‏ (2) ما وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَ ما قَلى‏ (3) وَ لَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَكَ مِنَ الْأُولى‏ (4) وَ لَسَوْفَ يُعْطيكَ رَبُّكَ فَتَرْضى‏ (5) أَلَمْ يَجِدْكَ يَتيماً فَآوى‏ (6) وَ وَجَدَكَ ضَالاًّ فَهَدى‏ (7) وَ وَجَدَكَ عائِلاً فَأَغْنى‏ (8) فَأَمَّا الْيَتيمَ فَلا تَقْهَرْ (9) وَ أَمَّا السَّائِلَ فَلا تَنْهَرْ (10) وَ أَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ (11)

### ترجمه سوره

**سوگند به آن دم كه آفتاب بگسترد (1) و سوگند به شب، آن‌گاه كه تاريكى­اش فراگير شود و آرام يابد (2) كه پروردگارت** [خلاف آن‌چه دشمنان می‌گويند] **نه رهايت كرده و نه تو را دشمن داشته است. (3)** [بالاتر از این، امیدوار باش! تو در اين دنيا مورد رحمت ما هستی] **و سراى آخرت قطعاً براى تو بهتر از اين سرا خواهد بود (4) و به‌زودی پروردگارت در آن سرا** [چنان] **به تو عطا كند كه خرسند شوى. (5) مگر تو را كودكى يتيم نيافت، پس به تو پناه داد؟ (6) ­و تو را راه‌نايافته ديد، پس هدايتت كرد (7) و تو را تهي‌دست يافت، پس توان‌گرت ساخت (8) پس تو نيز يتيم را خوار و مغلوب مكن** [كه خود درد يتيمى را احساس كرده­اى] **(9) و سؤال‌كننده را كه از تو مالى مى‌طلبد، از خود مران و بر او بانگ مزن** [كه خود تلخى تنگ‌دستى را چشيده­اى]**(10)** [و تو که با نعمت وحی راه‌یافته‌ای،] **پس نعمت پروردگارت** (قرآن) **را بازگوى. (11)**

# اهل‌بیت

## دنیا دو روز است!

بدبیاری پشت بدبیاری! از صبح که بیدار شده، ‌هر کاری می‌کند برعکس جواب می‌دهد. انگار قرار نیست امروز اتفاق خوبی برایش بیفتد. **شاکی شده،‌ بیش از همه به خدا اعتراض دارد! مگر خدا نمی‌بیند؟ چرا حواسش به او نیست؟**

ای‌وای! این‌ها چه‌حرف‌ها و خیالاتی است؟ مگر رابطه با خدا به بدبیاری‌ها و خوش‌بیاری‌هاست؟ مگر خدا بنده‌ای را که در راه حق باشد، رها می‌کند؟ چرا روزهای خو‌ش‌کامی را به یاد نمی‌آورد؟ نه، **نباید این‌گونه فکر کند. بلکه همه این‌ها امتحان است و باید مثل امتحان به آن نگریست:**

**الدَّهْرُ يَوْمَانِ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ فَإِذَا كَانَ لَكَ فَلَا تَبْطَرْ وَ إِذَا كَانَ عَلَيْكَ فَاصْبِر**

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام): روزگار، دو روز است: روزى سازگار با تو و روزى ناسازگار. اگر با تو ساز بود، سرمستى مكن و اگر ناساز بود، شكيبا باش. )نهج‌البلاغه، حكمت ۳۹۶(

چه قدر خوب است که انسان همیشه دست خود را در دست خدا ببیند و در روزهای سختی و آسانی خدمت‌گزار او باشد، مثل پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم).

# امام روح‌الله

## پیچیدگی راه مبارزه با اسلام آمریکایی

ملت شريف و مسلمان پاكستان، كه به‌حق ملتى انقلابى و وفادار به ارزش‌هاى اسلامى بوده‏اند و با ما رابطه ديرينه گرم انقلابى، عقيدتى و فرهنگى دارند، بايد تفكر اين شخصيت شهيد [سید عارف‌حسین حسینی] را زنده نگه‌دارند، و نگذارند شيطان‌زادگان جلوى رشد اسلام ناب محمدى- صلى‌اللَّه‌عليه‌وآله‌وسلم- را بگيرند. امروز استكبار شرق و غرب چون از رويارويى مستقيم با جهان اسلام عاجز مانده است، راه ترور و از ميان بردن شخصيت‌هاى دينى و سياسى را ازیک‌طرف و نفوذ و گسترش فرهنگ اسلام آمریکایی را از طرف ديگر به آزمايش گذاشته‏اند. ای‌کاش همه تجاوزات جهان‌خواران همانند تجاوز شوروى به كشور مسلمان و قهرمان‏پرور افغانستان علنى و رودررو بود تا مسلمانان ابهت و اقتدار دروغين غاصبين را در هم مى‏شكستند؛ ولى راه مبارزه با اسلام آمریکایی از پيچيدگى خاصى برخوردار است كه تمامى زواياى آن بايد براى مسلمانان پابرهنه روشن گردد كه متأسفانه هنوز براى بسيارى از ملت‌هاى اسلامى مرز بين «اسلام آمریکایی» و «اسلام ناب محمدى» و اسلام پابرهنگان و محرومان، و اسلام مقدس‏نماهاى متحجر و سرمايه‌داران‏ خدانشناس و مرفهين بى‏درد، کاملاً مشخص نشده است. و روشن ساختن اين حقيقت ...از واجبات سياسى بسيار مهمى است.

(صحيفه امام، ج‏21، ص: 121)

[توضیح برای حاج حسین براتی: سال گذشته نیز بخش متفاوتی از پیام امام به همین مناسبت کار شد.]

# امام خامنه‌ای

## حساسیت مسائل اقتصادی در دهه عدالت و پیشرفت

**امر‌وز دهه‌ عدالت و پیشرفت از نیمه گذشته است**. یک دهه را ما به‌عنوان دهه‌ عدالت و پیشرفت معیّن کردیم و معرّفی کردیم که از نیمه گذشته؛ بیست‌سالِ چشم‌انداز به نیمه رسید، **بیست‌سالی که برای چشم‌انداز معیّن کردیم و سیاست‌گذاری کردیم، ده سال آن گذشته است**؛ ده سال [دیگر] در مقابل روی ما است، این‌ها مسائل مهمّی است؛ حسّاسیّت مسائل اقتصادی با توجّه به این واقعیّت‌ها بیش‌تر می‌شود.

دشمنان ما صریحاً می‌گویند که هدفشان از فشارهای اقتصادی یک هدف سیاسی است. هدف آن‌ها این است که مردم ایران را در مقابل نظام اسلامی قرار بدهند... **امروز عرصه‌ اقتصاد، به‌خاطر سیاست‌های خصمانه‌ آمریکا، یک عرصه‌ کارزار است، یک عرصه‌ جنگ است**؛ جنگی از نوع خاص. در این عرصه‌ کارزار، هرکسی بتواند به نفع کشور تلاش کند، جهاد کرده است. امروز هرکسی بتواند به اقتصاد کشور کمک بکند، یک حرکت جهادی انجام داده است. این جهاد است؛ البتّه جهادی است که ابزار خودش را دارد، شیوه‌های مخصوص خود را دارد، باید این جهاد را همه با تدبیر مخصوص خود و سلاح مخصوص خود انجام بدهند.

امام خامنه‌ای| 1/1/1394- حرم مطهر رضوی

# شهدا

## «بابا» را بیش‌تر دوست دارید یا «تلویزیون‌رنگی» را؟

شهید بابائی در منزل یک تلویزیون ۱۴ اینچ سیاه‌سفید داشت. دکتر «ر.» از این موضوع آگاه بود. گفته می‌شود ایشان به‌منظور ارج نهادن به زحمات سرهنگ بابائی در زمانی که ایشان در خانه نبودند، یک دستگاه تلویزیون‌رنگی به منزل‌شان می‌فرستد. فرزندان بابائی با دیدن تلویزیون‌رنگی خوش‌حال می‌شوند، ولی همسر ایشان علی‌رغم اصرار بچه‌ها جعبه تلویزیون را باز نمی‌کند. چند روز از این ماجرا می‌گذرد و شهید بابائی از مأموریت بازمی‌گردد. بچه‌ها با ورود پدر خبر خوش تلویزیون‌رنگی را به او می‌دهند و...

شهید بابائی از این‌که خانمش تلویزیون را قبول کرده، ناراحت می‌شود. بچه‌ها منتظر بودند تا پدر از راه برسد و اجازه باز کردن جعبه را بدهد. شهید بابائی سر بچه‌ها را گرم می‌کند و در اوج بازی و خوش‌حالی، ‌از آن‌ها می‌پرسد: بابا را بیش‌تر دوست دارید یا تلویزیون رنگی را؟

بچه‌ها می‌گویند: بابا را.

سپس به آن‌ها می‌گوید:

الآن بچه‌هایی هستند که پدرشان را ازدست‌داده‌اند و تلویزیون هم ندارند. چون خداوند به شما نعمت پدر را داده، پس بهتر است این تلویزیون را به بچه‌هایی بدهیم که پدر ندارند.

# یار مهربان

## حاج‌آقا فرمانده در خط مقدم

**«بوی باران»**

نوشته سید علی بنی‌لوحی، ناشر: راه بهشت، قطع: خشتی کوچک، چاپ 24، 158 صفحه (مصور)، 3800 تومان.

خرید اینترنتی: http://bookroom.ir/book/15905

بسیار پیش می‌آمد که حجت‌الاسلام مصطفی ردانی‌پور را با عمامه در خطوط مقدم و زیر آتش دشمن می‌دیدی و از این نشاط و شجاعت، روحیه می‌گرفتی که یک آخوند فقط اهل حرف نیست، اهل عمل است. تازه مصطفی یک رزمنده ساده نبود، جایگاهش از فرمانده لشکر هم بالاتر بود، فرمانده قرارگاه، فرمانده سپاه سوم. این کتاب گزیده خاطرات کوتاه است به همراه تعداد فراوانی عکس. پردازش محتوا، انتخاب قطع مناسب و طراحی‌اش خواندنی‌ترش کرده است. نیمه مرداد 1362 روز شهادتش است؛ شاید خواستید یکی دو ساعت هوای آسمان را تجربه کنید!

# ایام ویژه

## درستی شهادت آیت

شهید سیدحسن آیت، اولین دبیر سیاسی حزب جمهوری اسلامی، دانشمندی بابصیرت، انقلابی و متدین بود که در هیئت‌رئیسه مجلس خبرگان قانون اساسی (به نمایندگی از اصفهان) در تثبیت اصل ولایت‌فقیه و... کوشید. او که از ملی شدن صنعت نفت در خط آیت‌الله کاشانی بود و شناخت کاملی از چهره‌ها و جریان‌های فکری سیاسی ایران و غرب داشت، به دایرة‌المعارف رجال ایران مشهور بود و در اولین انتخابات مجلس شورای اسلامی نیز با 64 درصد آرا، نماینده مردم تهران شد. به نظر می‌رسد شناخت، درک و تیزبینی او در کنار شجاعتش در بیان ماهیت و افشاگری علیه جبهه ملی، نهضت آزادی، بنی‌صدر و «دیگران» کینه‌ای سنگین بر دل‌های دگراندیشان نهاده که هرازچندگاه در صفحات نشریات خاص سر باز می‌کند. او معتقد بود باید به این‌ها (بنی‌صدر و منافقان) فرصت و آزادی داد تا ماهیت خودشان را نزد مردم افشا کنند. ازجمله پیش‌بینی‌های دقیق او، ایستادن مهندس میرحسین موسوی و همسرش در مقابل نظام اسلامی بود که 28 سال بعد همه به‌وضوح، درستی شهادت آیت را در انحراف فکری آن دو دیدند. آیت درحالی‌که بسیاری از دوستانش ترور و شهید شده بودند، در 14 مرداد، روزی که به‌شدت بیمار بود با مدارکی که علیه مهندس موسوی جمع کرده بود عازم جلسه رأی اعتماد مجلس بود تا وظیفه شرعی‌اش را در مخالفت با انتصاب او به‌عنوان وزیر خارجه ایران ابراز کند، ولی جلوی خانه‌اش ترور شد تا 28 سال سخنی از درستی شهادت او به میان نیاید.

# احکام

## با ریش پرفسوری نمیشه!

ریشش را تراشیده، حالا که امام جماعت نیامده، فوری عبا را بر دوش می‌اندازد و جای ایشان می‌ایستد. اما نمازگزاران نمی‌توانند به او اقتدا کنند، چراکه حداقل عدالت در امام جماعت حسن ظاهر است. (اجوبة الاستفتائات، س 562)

# نیایش

## خواهش از خدا به سبک امام سجاد

**در رفع زدودن اندوه‌ها، دعایی منسوب به امام سجاد است که در صحیفه سجادیه موجود است. بیاییم یک‌بار، مثلاً نیمه‌های شب یا سر صبح یا حتی وسط روز، به سبک امام با خدا حرف بزنیم:**

**اَللَّهُمَّ اِنّى اَسْئَلُكَ سُؤالَ مَنِ اشْتَدَّتْ فاقَتُهُ، وَضَعُفَتْ قُوَّتُهُ، وَكَثُرَتْ ذُنُوبُهُ،**

**خداوندا، از تو مى‏خواهم همچون خواهش كسى كه نيازش سخت، و نيرويش سست است، و گناهانش افزايش يافته،**

**سُؤالَ مَنْ لايَجِدُ لِفاقَتِهِ مُغيثاً، وَلا لِضَعْفِهِ مُقَوِّياً، وَلا لِذَنْبِهِ غافِراً غَيْرَكَ،**

**همچون خواهش كسى كه براى نياز خود فريادرسى، و براى ضعفش نيرودهنده‏اى، و براى معصيتش آمرزنده‏اى جز تو نمى‏يابد...**

**(دعای 54 صحیفه سجادیه)**

# درنگ

## پشت پرده‌ها خبرهای دیگری است

"به پدرش گفت: من کاری به تو و خدایت ندارم! نوح نبی که دید با این بحث‌ها کار به جایی نمی‌رسد رو کرد و گفت: خدایا! می‌دانی این پسرم است و حاصل عمرم...

ناگهان پاسخ آمد که «إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صالِح» او با تو نسبتی ندارد، که هیچش به تو نرفته!"

در عيون أخبار الرضا عليه‌السلام آمده که امام عليه‌السّلام فرمود: بلكه او پسر واقعى نوح بود وليكن چون خداوند عزّوجلّ را نافرمانى كرد، خداوند او را از پدرش نفى کرد. (و ما اهل‌بيت نيز اين‌چنين هستیم) «هركس‌ازما» نافرمانىِ خدا كند، از ما اهل بیت نيست... و اگر خداوند را اطاعت كنى، از ما اهل‌بيت خواهى بود. [برای این‌که از اهل‌بیت باشیم، پیوند خونی مهم نیست، باید خدا را اطاعت کنیم.]

پشت پرده‌ها خبرهای دیگری است. کسی که جز آن‌ها را نبیند و جز آن‌ها نخواهد، پرده و حجابی میان او و اهل‌بیت(علیهم‌السلام) نمی‌ماند؛ می‌شود سلمان که «سلمان منا اهل البیت» می‌شود مثل شهدا؛ مثل اباالفضل که مادرشان شد زهرا(س) و آمد بالای سرشان... خانواده‌ای از این بهتر؟!

پرده‌ها را کنار بزنیم تا پشت پرده‌ای نماند...

# روزنوشت

## استقبال از خون‌آشام پاریسی

آن‌روز که ادوارد شواردنادزه، وزیر وقت امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی به تهران آمد تا جواب نامه امام به گورباچف را بدهد، فکر نمی‌کرد با چنین استقبال سردی روبه‌رو شود؛ یک اتاق محقر، یک صندلی ناراحت، پذیرایی با یک استکان چای، مدتی انتظار، ورود امام با لباس غیررسمی و خیلی چیزهای دیگر او را مبهوت کرده بود. آخر او نماینده یک ابرقدرت بود، چه‌طور می‌توانستند او را تحویل نگیرند؟ هیچ‌کس از دیدنش ذوق نکرد، **هیچ‌کس با آمدنش نگفت دروازه‌های جهان به روی ما گشوده شد**، هیچ‌کس فرش قرمزی پهن نکرد...

**امام به ما نشان داد با نماینده یک کشور مستکبر چه‌طور باید برخورد کرد؛ تحقیر نکنیم، تحویل نگیریم.** این در حالی بود که شواردنادزه هیچ‌گاه خون آلوده به ایدز هم‌جنس‌بازان کشورش را به بیماران هموفیلی ما تزریق نکرد و یا در شرایط بد اقتصادی تحریم‌مان نکرد و یا به گروهک‌های تروریستی مانند منافقین پناه نداد و یا ....

**حالا فابیوس، وزیر خارجه کشور مستکبر دیگری آمده؛ پست‌تر و خائن‌تر.** آمده تا راه را برای قراردادهای پژوهای تازه‌ای باز کند. از تاریخ باید عبرت گرفت. به قول شاعر: باید که بعدازاین همه دشنام و درد و داغ، از کدخدای دهکده بیزار بگذریم؟!

# سؤالات هفته

سؤالات هفته 71

1. (قرآن) انسان چگونه می‌تواند از این‌که به «اسفل‌سافلین» برود، خود را نجات دهد؟
   1. به وسیله ایمان و عمل صالح
   2. به وسیله تین و انجیر
   3. فقط انسان‌های گناهکار به اسفل سافلین می‌روند.
2. (روایت) در برابر تفاهم با دشمن انسان چه وظیفه‌ای دارد؟
   1. خوش‌بین باشد.
   2. بدبین باشد.
   3. بی‌تفاوت باشد.
3. (روزنوشت) تفاوت «حضرت والا» و «حضرت آقا» در چیست؟
   1. تفاوت خاصی ندارند؛ یکی هستند.
   2. در ظاهر با هم فرق دارند ولی در باطن یکی هستند.
   3. یکی با خداست و عزیز، و دیگری بی‌خداست و ذلیل.
4. (احکام) به کدام‌یک نمی‌توان اقتدا کرد؟
5. به جوانی که تازه به سن تکلیف رسیده است.
6. به کسانی که دروس حوزوی نخوانده‌اند و روحانی نیستند.
7. به کسی که نیت جماعت نکرده و نماز فرادی می‌خواند.
8. به کسی که ریشش را می‌تراشد و ظاهر مؤمنانه ندارد.